

ارزیابی و تبیین راهکارهای اعتلای حس مکان، حس تعلق مکانی و معنویت مکان در معماری مساجد اسلامی نمونه موردی: مساجد نوین شهر دیواندره

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵

کد مقاله: ۵۰۸۶۲

فرخ عبودی^۱، محمد رضا پاکدل^۲

چکیده

حس مکان، حس تعلق مکانی و هویت مکان از مهم‌ترین بحران‌های معماری معاصر است. مسجد به‌مثابه کانونی عبادی-اجتماعی برای ادامه حیات پویا نیازمند ارتباطی قوی با حوزه کارکردی خود است. این ارتباط با زمینه از طریق پیوندی انسانی، کالبدی و طبیعی با محیط بیرونی محقق می‌شود. مسجد در فرهنگ اسلامی جایگاه ارزشمند و نقش مهمی در نظام‌های اجتماعی دارد. مساجد در معماری اسلامی از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار هستند تا حدی که در انگاره‌های عمومی، معماری اسلامی با معماری مساجد شناخته می‌شوند و گویی اگر مسجد را از معماری اسلامی بگیریم چیزی از آن باقی نمی‌ماند. بنای جامعه اسلامی بر محوریت مسجد گذاشته شده است. مسجد با کارکردهای متعدد خود در ابعاد مختلف اجتماعی و با تأکید بر جنبه معنوی، نقشی هدایت‌کننده برای انسان‌ها به سوی خداوند متعال دارد. مسجد به‌عنوان نماد اسلام و شکوه و عظمت معماری اسلامی باید خود به‌تنهایی تبیین‌کننده‌ی شاخصه‌های دین اسلام مانند توحید، نبوت، مبدأ و معاد، آرامش یاد خدا، ذکر، عدم دلبستگی به زرق و برق مادی و... باشد. مجموعه‌ی این موارد یاد شده، حس معنویت را در مسجد ارتقا می‌بخشد که نیاز به تحلیل فنی، کار علمی و ارائه‌ی راهکارهای خردمندانه دارد. در تحقیق حاضر ۱۰ مسجد جدیدالاحداث در شهر دیواندره (استان کردستان) مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بازدید میدانی و استخراج شاخصه‌های معماری اسامی که در ساخت مساجد مذکور به کار رفته، تحلیل و بررسی نقاط ضعف و قوت هر مسجد با روش SWOT انجام گرفته است. شاخص‌های ارزیابی حس معنویت مشخص گردیده و طی پرسشنامه‌ای بین کاربران مساجد توزیع گردیده است در نهایت نمره‌ی حاصله از نظرات پاسخ‌دهندگان مشخص شده و ۱۰ مسجد باهم مقایسه گروهی شده‌اند تا مشخص گردد که مساجدی که دارای نمره‌ی بالایی بوده‌اند، چه اصولی در آن‌ها رعایت شده است و آیا می‌شود نقاط ضعف طراحی و اجرای معماری مساجد را به قوت و تهدید را به فرصت تبدیل کرد؟ نتایج تحقیق می‌تواند معماران را نسبت به حساسیت موضوع آگاه نماید تا با راهکارهایی کوتاه‌مدت بتوانند حس معنویت مساجد فعلی را ارتقا بدهند و همچنین در طراحی مساجد آتی اصول حس معنویت مساجد را رعایت نمایند.

واژگان کلیدی: حس مکان، حس تعلق مکانی، معنویت، معماری، مسجد، دیواندره

۱- دانشجوی دکتری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
farokhobodi@gmail.com

۲- استادیار، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران

مسجد، مهم‌ترین نهاد اجتماعی جامعه اسلامی و محور دیگر نظامات و نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید؛ به طوری که نوع رابطه و تعامل با این نهاد مقدس، معنا و جایگاه دیگر نهادهای اجتماعی، در جامعه اسلامی را معین می‌کند. بی‌تردید، در چنین ساختاری، مسجد می‌تواند همه ظرفیت‌های خود را برای نقش‌آفرینی مطلوب در جامعه اسلامی به کار گیرد و تأثیرگذار باشد. در تجربه تاریخی و اجتماعی مسلمانان به‌ویژه در صدر اسلام، نمونه‌هایی از این نقش‌آفرینی یافت می‌شود. مساجد به‌عنوان بارزترین بعد چهره‌ی معماری اسلامی باید دارای حس مکان بوده و حس تعلق مکانی را در انسان‌ها ایجاد نمایند. معماری مسجد باید آنقدر متمایز باشد که نماز گزاران و عابدان بدانند در یک مکان متفاوت قرار گرفته‌اند. دل‌بستگی و حس تعلق به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر دل‌بستگی به مکان می‌باشد. چرا که انسان‌ها می‌توانند به یک شی، خانه، ساختمان، محله و یا یک قرارگاه طبیعی جذب شوند (low & Atman, 1992 و ۳۴). دل‌بستگی به مکان برخاسته از ارتباطات حسی فرد با مکان بر پایه «خود» و فعل و انفعالات درونی او در هنگام مواجهه با مکان می‌باشد. به میزان تعلق اجتماعی فرد نیز بستگی دارد. تا آنجا که این واژه معادل واژه‌هایی چون دل‌بستگی اجتماعی و حس تعلق اجتماعی و حس مکان نیز به کار می‌رود (kyle at et, 2004; 216 و ۳۹). از سوی دیگر دل‌بستگی مکانی زیر مجموعه از سطوح مختلفی می‌باشد که این سطوح به سطح بالاتری یعنی حس مکان می‌رسد؛ از طرفی طبق، طبقه بندی شامای، دل‌بستگی مکانی، سطح چهارم حس مکان می‌باشد که این سطح را این گونه تعریف می‌نماید، در این سطح فرد ارتباط عاطفی پیچیده با مکان دارد. مکان برای او معنا دارد و مکان محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. در این حالت بر منحصر به فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید می‌شود. دل‌بستگی مکانی، در بین افراد و محیط‌های معنی‌دار، پیوند رخ می‌دهد و بسیار مورد توجه علمی قرار گرفته است (Giuliani, 2003; ۵۶ و low & Altman, 1992 و ۹۳). دل‌بستگی به مکان‌های با کیفیت متمایز اجتماعی یا فیزیکی افزایش هویت و تقویت اعتماد به نفس را در پی دارد (Twigger, ross & uzzell, 1996 و ۸۲) دل‌بستگی به مکان یا دل‌بستگی مکانی مفهومی چند بعدی پیچیده و بین رشته‌ای است که جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم با مکان را در هم می‌آمیزد. این مفهوم در طول چند دهه گذشته مورد توجه بسیاری از محققان در رشته‌های علمی (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، مردم‌شناسی) قرار گرفته است (هیومان، ۱۹۹۲. ترنلمن، ۲۰۰۹. ویندسانگ، ۲۰۱۰). دل‌بستگی به مکان و احساس تعلق به آن، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیا و نوسازی همه جانبه محیط‌های محلی بپردازند. احساس تعلق و مشارکت می‌تواند زمینه‌ساز برای ایجاد دموکراسی فراهم سازد و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (فکوهی، ۱۳۸۹. مطلبی، ۱۳۸۳. افروز و سفیری، ۱۳۸۳). معماران، شهرسازان و مهندسين طراحی لازم است در طراحی معماری مساجد به این مورد مهم توجه نمایند چرا که اگر طرح‌های پیشنهادی آنان خالی از حس تعلق مکانی باشد، نمی‌تواند مسجد را به جایگاه واقعی خود برساند.

۲- مبانی نظری

از زمان ساخت اولین مسجد بدست پیامبر خدا تا امروز، معماری مساجد دستخوش تغییراتی شده اما پایه اصول مسجد، بنا به هویت عبادی که دارد ثابت بوده است. انتظاری که انسان از دیدن مسجد و حضور در آن توقع دارد، در طی قرن‌های متمادی، به دلیل مفاهیم اولیه‌ای که در ساخت اولین مسجد بکارگرفته شد و بعدها بست و گسترش یافت، همواره القای حس معنویت، آرامش و توجه به معبود می‌باشد. فرم فضای معماری مساجد با پیش‌شخص خاص عناصر آن، این مهم را برآورده می‌سازد. از آنجا که مسجد خانه خداست، جایگاه قدسی است که می‌باید محل ظهور و تجلی صفات الهی باشد تا بدینوسیله بر جان و قلب انسان اثر گذاشته و ارتباط او را با نیرویی ماورایی استحکام ببخشد. معماری مسجد به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین بناهای اسلامی در شکل‌نهایی خود مناسبترین فضا برای خودسازی و سیرانسانها از زندگی مادی و طبیعی به زندگی ملکوتی می‌باشد؛ اما در عصر حاضر با توجه به نگاه مدرن به معماری، گاه نظریات و طراحی‌های متفاوتی ارایه می‌گردد که به لحاظ ماهیت دچار خلا بوده و نمی‌تواند آنگونه که باید پاسخگوی نیاز جامعه باشد. معماری مساجد نیز از این قاعده مستثنی نیست. در رشته‌های علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی اصطلاحات تعلق به مکان، تعلق به اجتماع، ساختار عاطفه و معنا و تجربه، مهمترین مباحث مطرح شده درباره حس مکان هستند. تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده‌اند و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس مکان نامیده می‌شود، مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. مکان، جا یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارد صاحب هویت خاصی می‌شود (افشار نادری، ۱۳۷۸، ۴) مکان محتوا دارد، ولی فضا نوعی خلا است. مکان بسیار آسان‌تر از فضا مرز پذیر و قابل تحدید است، در حالی که فضا بی مرکز است و به نامتناهی بودن گرایش دارد (سرمدست، ۱۳۵، ۱۳۸۹). هر شیئی که در یک مکان قرار دارد طبعاً رابطه‌ای متقابل و عکس‌العمل بین سه عامل رفتار انسانی، مفاهیم و مشخصات فیزیکی باعث ایجاد مکان می‌شود. از نظر رلف مکان در کیفیت بی‌همتای خود قادر است مقاصد، تجربیات و رفتارهای انسان در فضا را منظم و

متمركز سازد. او مكان و فضا را در ديالكتيكي پويا تصور مي كند كه تجربيات انسان از محيط را مي سازد (Seamon ۲۰۰۸، ۴۵). حس تعلق عاملی است كه موجب تبديل يك فضا به مكاني با خصوصيات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. این حس علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از يك محيط می گردد، باعث دست يابی به هويت برای افراد نیز می شود. در عين حال، حس تعلق مكاني مفهومی پيچيده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محيط است كه در اثر انطباق و استفاده انسان از مكان به وجود می آيد. از نظر كريستين نوربرگ شولتز تعلق مكاني در مكانهاي يافت می شود كه دارای شخصيت مشخص و متمایز هستند و شخصيت محيطی از چيزهايی ملموس ساخته شده كه دارای مصالح، شكل، بافت و رنگ است (Norberg 1997, Schuls).

۳- روش تحقيق

روش تحقيق حاضر روش تحلیلی با آنالیز فنی میدانی می باشد كه در آن ۱۰ مسجد جدید الاحداث شهرستان دیواندره انتخاب شده و در مورد آن سوالات مرتبط طراحی شده و پس از تجميع پرسشنامه ها در فضای SPSS تحليل خواهد شد تا شاخص های اصلی استخراج شده و سپس با روش ای اچ پی وزن دهی می شوند تا اولويت های اصلی و راهكارهای اعتلای حس معنویت جهت بكارگیری در ساخت مساجد ارایه گردد. در این تحقيق بخش اصلی داده ها از طریق پرسشنامه گردآوری گردید. این تحقيق دارای دو پرسش نامه بود ابتدا پرسش نامه شماره (۱) برای متخصصان تهیه شد كه نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهديدهای مساجد جدید الاحداث در چهار بعد معنوی، اقتصادی، اجتماعی و مكانيی را در سه طیف قوی متوسط و ضعیف مشخص نمودند. ۳۰ نفر به این پرسشنامه پاسخ داده اند. همچنین پرسیده شد كه در حال حاضر وضعیت كنونی مساجد جدید الاحداث را چگونه ارزیابی می كنید و بر اساس آن نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهديد ها را مشخص نمایند. سپس پرسش نامه متخصصین تحليل و شاخص ها وزن دهی، استاندارد و نهایتاً رتبه بندی شدند. بر اساس این نتایج پرسشنامه شماره ۲ طراحی شد كه برای عموم مردم با استفاده از طیف بندی ليكرت میزان رضایت آنها از حس تعلق مكاني و معنویت مسجد سنجیده شد.

جدول ۱- تعريف عملياتی متغيرهای تحقيق (تنظيم: نگارنده، ۱۴۰۰)

ردیف	شاخص	گويه
۱	شاخص های معنوی	آرامش (رنگ بنا، کیفیت بنا و قدرت جذابیت بنا)
		نیوت، مبدأ و معاد
		یاد خدا
		توحيد و ذكر
۲	شاخصهای مكان يابی	راه دسترسی (کیفیت و استاندارد بودن راه)
		شبكة معابر (كمیت و کیفیت معابر درجه يك تا چهار)
		نظم هندسی طراحی (نظم طراحی كالبدی)
		متناسب بودن با كاریبری های مجاور
۳	شاخص های اقتصادی	ارزش اقتصادی زمین محل احداث مسجد
		مستقل بودن مسجد
		موقوفات مسجد
		هزینه های نگهداری مسجد
۴	شاخص های اجتماعی فرهنگی	میزان جذب نماز گزاران (طبقه اجتماعی، كمیت و کیفیت)
		نماد گرایی
		مقبولیت اجتماعی و فرهنگی بنا
		پاسخگویی بنا به نیازهای اجتماعی

۴- چارچوب تحقيق

۴-۱- سوالات تحقيق

۱. با چه روش ها و راهكارهایی می توان حس معنویت را در مساجد جدید الاحداث تقویت نمود؟
۲. نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت ها و تهديدهای طراحی و اجرای مساجد جدید الاحداث ما را به چه نتیجه ای می رساند؟

۴-۲- بیان مسئله

معماری به صورت ابزاری برای پاسخگویی به نیازهای انسان است و در این زمینه مساجد به‌عنوان یکی از جلوه‌های معماری اسلامی سهم ویژه‌ای در پاسخگویی به نیازهای روحی انسان برعهده دارد. مساجد در گذر زمان دارای اصولی واحد برای ایجاد سلسله مراتب هستند. هر مکانی که طراحی و اجرا می‌شود صرف نظر از کالبد مستحکم و موزونی که خواهد داشت باید دارای روح مکان بوده و قادر باشد مرتبط با کاربری که دارد، حس متناسب با آن را نیز القا نماید. مسجد مکانی برای دعا و نیایش و ارتباط با پروردگار می‌باشد ضمن اینکه مسجد باید محکم و زیبا باشد رسالت انتقال این حس را نیز به دوش می‌کشد. مساله ای که وجود دارد این است که اخیرا مساجدی که ساخته می‌شوند بدون توجه به حس معنویت و صرفا به‌عنوان جبران یکی از کاربری‌های شهری طراحی و اجرا می‌گردند که این مشکل می‌تواند اهدت و کارایی مساجد را تنزل دهد. پس لازم است در تحقیق‌های علمی راهکارهای تقویت حس معنویت بررسی شده و پیشنهاد های لازم ارائه گردد. در سالهای اخیر باب شده که در طبقات پایینی مساجد، مغازه های تجاری ساخته می‌شود تا بتوانند بعدا از کرایه ی این واحدها هزینه های جاری مسجد را تامین نمایند این کار از نظر اقتصادی مناسب به نظر می‌رسد اما باید طوری برنامه ریزی شود که کاربری این واحدها نیز مرتبط با کاربری مسجد باشد و به اهدت و حس معنویت مسجد لطمه نزنند؛ مثلا وجود یک مغازه مکانیکی یا صافکاری خودرو با آلودگی صوتی و بصری در بدنه ی ساختمان مسجد می‌تواند حس معنوی و تمرکز نماز گذاران را به هم بریزد. لذا لازم است فضای داخلی، معماری، مکانیابی، کاربری اراضی و... در راستای تقویت اعتلای حس معنویت مسجد باشد. دلستگی مکانی پیوندی است که بین افراد و محیط های معنادار آنها رخ می‌دهد و در سال های اخیر توجه محافل علمی زیادی را به خود جلب کرده است که مسجد نیز یکی از این مهمترین مکان ها می باشد. این پیوند عاطفی، با خاطرات، تجربیات و حوادث مهم زندگی اشخاص مرتبط است. (Scannell & Gifford, 2010: ۲۶) مهمترین بعد دلستگی مکانی پیوند محل باشد، جایی از مکان که ما با آن در پیوندیم. این بعد در مقیاسهای جغرافیایی مختلف مورد بررسی قرار گرفته؛ که می‌توان به یک اتاق در یک خانه، یک شهر، یا جهان اشاره کرد؛ و بطور معمول به دو بخش دلستگی از نظر اجتماعی و دلستگی از نظر فیزیکی قابل تقسیم می‌باشد. افراد مختلفی نیز توصیف کرده اند که دلستگی مکانی، فیزیکی، اجتماعی و ترکیبی از هر دوی اینها می‌باشد. دلستگی اجتماعی، یا که «همبندی» شامل روابط اجتماعی، تعلق به محله و آشنایی با ساکنان همکار و کودکان محله و دلستگی فیزیکی و یا «ریشه» با طول مدت اقامت پیش بینی شده، مالکیت و برنامه های ماندن در ارتباط می‌باشد (Scannell, Gifford, ۲۰۱۰). در حالی که بیان می‌شود بعد اجتماعی پیوند مکانی قوی تر از بعد فیزیکی آن می‌باشد (Scannell, Gifford, 2010: 32) ولی هیدالگو و هرناندز با تأکید بیان کردند که وابستگی های فیزیکی و اجتماعی هر دو تمام پیوندها را تحت تاثیر قرار می‌دهند و آن سطح فضایی باید هنگام اندازه گیری دلستگی مکانی پیشنهاد شود (Riger and Lavrakas (1981) بنابراین دلستگی مکانی به دو بعد کالبدی و اجتماعی تقسیم می‌شود. مساله ی مورد نظر در این پژوهش، بررسی راهکار های ارتقای حس تعلق مکان در مسجد است. مشکل آنجا است که در بسیاری از طرح ها و برنامه ریزی ها به حس تعلق مکانی مسجد و شاخص های معنوی توجهی نمی‌شود و بدون در نظر گرفتن این عامل مهم مساجد طراحی و اجرا می‌شوند. با توجه به بررسی های اولیه در شهر دیواندره مشاهده شده که در مساجد جدید الاحداث خیلی کم به حس تعلق مکانی و شاخص های معنویت بخش به مساجد توجه شده است. حال تحقیق حاضر می‌کوشد ضمن پاسخ گویی به چرایی این مشکل، راهکارهایی برای اعتلای حس تعلق مکانی و معنویت مساجد جدید الاحداث ارائه نماید.

۴-۳- اهداف تحقیق

برجسته سازی و بازآفرینی معماری و تبیین نقش آن در معماری اسلامی
رسیدن به راهکارهای دقیق علمی و اجرایی در ساخت مساجد جدید الاحداث کاربرد داشته باشد.

۴-۴- اهمیت موضوع تحقیق

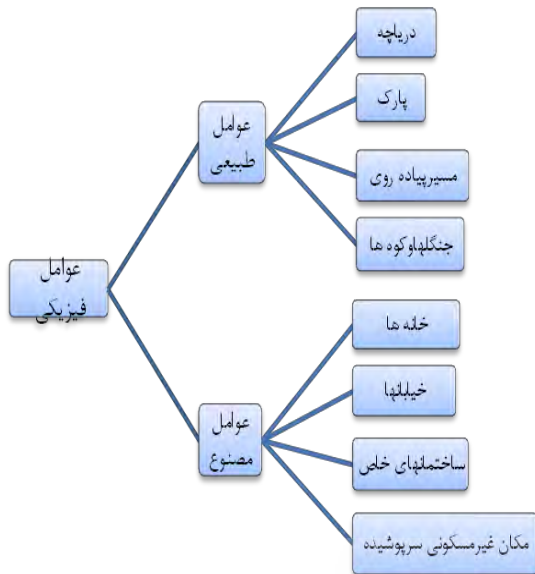
موضوع تحقیق حاضر یکی از مباحث تخصصی رشته معماری می‌باشد که با کمک هنر - شعر و روانشناسی و ... می‌کوشد حس معنویت را اعتلا بخشد. نتیجه این تحقیق می‌تواند به طراحی بهتر مساجد که نتیجه ارتقای جایگاه مسجد و معنویت در جامعه و دوری از بزه کاری می‌باشد از موضوعی کاربردی محسوب شده و لازم است در مورد آن مطالعات میدانی دقیقی انجام شود.

۵- مروری بر پیشینه رویکرد پدیدار شناسانه حس مکان

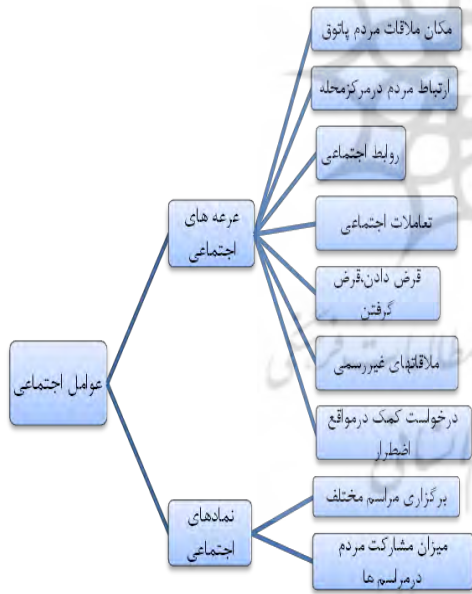
رویدادها و عملکردهای آگاهانه، تنها در ساخت مکانه ای پراهمیت جلوه می‌کنند. علت افتراق مکانها، تمرکز ارزشها، دیدگاهها، هدفها و تجربه های مختلف در آنهاست. از این رو، مکانها عوامل اصلی در سامان مندی تجربیات و قضاوتهای ما از

جهان می باشند(مومنی، ۱۳۹۰) رلف مکان را ترکیبی از اشیاء طبیعی و انسان ساخت، فعالیتها و معانی می داند که تجربه آن می تواند در مقیاس وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را در برداشته باشد. از نظر وی مکان واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیتها و معانی باشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تجربه ذهنی برای فرد تبدیل می کند. (مطلبی، ۱۹۳۳). مکان را می توان تجربه عرصه‌های درونی در برابر عرصه بیرونی دانست که دربرگیرنده جهات گوناگون و تعدادی گشودگی میباشد. بر این اساس پدیده مکان، محمل گردآوری گونه گونی چشم اندازها میباشد تا تمایز در محیط و احساس خاص محلیت را به وجود آورد. رسالت معماری نیز آن است که جایی را تبدیل به مکان کند، یعنی محتوای بالقوه محیط را به فعل در آورد. رلف در کتاب مکان و بی مکانی بر این نکته اشاره دارد که مکانها را ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی میدانند و هویت و کاشانه واجتماع را مفاهیمی اساسی در اینباره میدانند. از نگاه پدیدارشناسان حوزه جغرافیای انسانی حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط میگردد و با گذر زمان عمق و گسترش بیشتری میابد از نگاه این رویکرد، تجربه اصلیتترین رکن ادراک مفاهیم و معنای یک مکان است و لذا معنا در یک مکان، ارتباط مستقیم با نحوه ادراک انسانی و مقولات مربوط به آن دارد. تحقیقات به عمل آمده نشان میدهد که هرچه مدت ارتباط افراد با یک مکان بیشتر میشود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسانها از آن مکان افزایش یافته و امکان ایجاد معنای تعلق در محیط نیز افزایش میابد رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه از مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان انسانها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک میکنند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را احساس مینمایند. وی با بیان این امر به ارتباط اساسی و جدایی ناپذیر مفهوم حس مکان با جنبه های انسانی اشاره داشته و اعلام میدارد آنچه که یک فضا را به یک مکان تعالی میبخشد، آغشته شدن آن با معانی و مفاهیم عمیق است که در طول زمان گسترش و عمق پیدا میکند. از این رو مکان موردنظر در تعریف رلف حاصل معنای است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان در طول زمان و ضرورت شکل گیری معنا ناشی از تعامل و ادراک انسانی در بستر زمان، مسأله ای است که به بعدی از حس مکان اشاره می نماید که عمدتاً به بعد ناآگاهانه و ادراکی تجربه افراد دلالت دارد که از آن به وابستگی و حس تعلق تعبیر میشود که حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و بخش های اجتماعی و فرهنگی را نیز در برمی گیرد. رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق مهم روحی روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می کند. این حس تعلق که از سوی جغرافیدانان پدیدارشناس به نام مکان دوستی تعبیر میشود. در معماری و طراحی از طریق قلمرو کالبدی یا تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی بیان میشود. آنچه که رلف از آن به عنوان ماهیت مکان و بعدی ناآگاهانه عالم می دارد، نوعی تجربه و ادراک مکانی از گفتمان قلمرو کالبدی داخل و بیرون را بیان مینماید که آنرا جزئی از هویت فردی ناشی از هویت مکان میدانند. علاوه بر وی افراد دیگری نظیر توئیگرراس و اوزل با تأکید بر تمایز مکانی به عنوان یکی از مشخصه های هویت مکانی در شکلگیری هویت فردی، نظریه رلف را تأکید و گسترش دادند. مفهومی که عمدتاً با عنوان قلمرو شناخته شده و با ابعاد کالبدی و منطق روانی شناخت مکان در ارتباط می باشد (مطلبی، ۱۹۳۳). اصطلاح پدیدارشناسی با ادموند هوسرل تبدیل به رویه ای توصیفی می گردد که بر این اساس نظموارهای است که درصدد توصیف چگونگی تکوین جهان و تجربه‌مندی آن از طریق آگاهی می باشد. بر این اساس از دیدگاه پدیدارشناسی، پدیداری جهان به میزان و چگونگی ادراک و التفات ذهن انسان و پدیدارشناسی به مراتب بازگشت به خود اشیاء برمیگردد و پدیدارشناس نظریه‌پرداز نمیکنند، بلکه به ملاحظه دقیق پدیدارها و سپس توصیف آنها می پردازد، آنگونه که در نظر عاری از پیشداوری حضور مییابند. پدیدار را نیز میتوان چیزی دانست که بخودی خود ظاهر است، یعنی آنچه خود را نشان میدهد: نه از آن جهت که از چیز دیگری حکایت میکند یا مدلول چیز دیگری است. از دید هوسرل ابزار شناخت پدیدارشناسانه، شهود و بصیرت است که شهود حسی، در امور واقع و شهود مثالی، به ذوات میپردازد. در روش پدیدارشناسانه مراتبی پیشنهاد میشود که مهمترین آنها تحویل پدیدارشناسانه و تعلیق در نگرش طبیعی است که منظور از تحویل این است که تنها به صرف ماهیت اشیاء عالم نظر شود. (مومنی و دیگران، ۱۳۹۲). از نگاه پدیدار شناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیر گذار میان مردم و مکان و اجزاء تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط میگردد و با گذر زمان عمق بیشتری می یابد (Relph ۱۹۷۶). از نظر رلف مفهوم حس مکان عاملی است که از یک طرف باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است و از طرفی دیگر عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد به شمار میآید که به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آنها به مکان کمک می کند. از دیدگاه پدیدارشناسان مهمترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، واژه مکان دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است و حس مکان به معنای ویژگیهای غیر مادی یا شخصیت مکان است که معنایی نزدیک به روح مکان دارد (Relph ۱۹۷۶) مکان مورد نظر در تعریف رلف حاصل معنای است که در طول زمان و با ادراک به دست می آید. این تعریف مفهومی از مکان مسأله ای است که به بعد نا آگاهانه و ادراکی تجربه افراد اشاره دارد و از آن به عنوان حس وابستگی یا حس تعلق به مکان تعبیر میشود که حسی توأم با عاطفه در مکان است. مکان در این حس به صورت ریشه دار تجربه می شود و ابعاد مختلف اجتماعی - فرهنگی را نیز در برمی گیرد. رلف از این حس به عنوان نقطه امن اتکایی فرد از دنیای اطراف خود اشاره می کند و تعلق روحی و روانی فرد به مکان خاص را نتیجه این احساس بیان می دارد. حس تعلق از سوی جغرافیدانان پدیدارشناس به نام مکان دوستی تعبیر می شود (Tuan, 1974) که در معماری و طراحی از

طریق قلمرو کالبدی، با تمایز از نواحی و فضاهای اطراف یا جداسازی کالبدی شکل می‌گیرد (2006, Carmona.) هایدگر فیلسوف پدیدارشناس اعتقاد دارد که معمار با ایجاد مکان، فرصتی به بنا میدهد که در معرض مواجهه و مرآده انسان قرار گیرد. اگر مکان به انسان اهداء شود و او نسبت به آن حس تعلق پیدا کند، آنگاه میتواند آن را به خاطر سپارد و در نهایت به آن تقرب جوید. اینگونه است که مکانیت انسان پاسخ داده میشود (صافیان، ۱۰۹، ۱۳۹۰).



نمودار ۱- دل بستگی فیزیکی، ماخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannel, 2010)



نمودار ۲- دل بستگی اجتماعی، ماخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannel, 2010)

نوشته‌های هایدگر پایه تفکر تئورسین‌های مهمی در معماری قرار گرفت که از مطرحترین آنها کریستین نوربرگ شولتز است. شولتز حس مکان را پدیده‌های کلی با ارزشهای ساختاری میدانند که در بستر ادراک و جهت یابی در فضا ممکن میشود (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲) وی در تعریف ماهیت مکان، آن را کلیتی شامل اشیاء، عناصر کالبدی ساخته شده و آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب میشود، میدانند و ساختار مکان را شامل منظر، سکنی‌گزینی، فضا و شخصیت تعریف میکنند. اسنکل و گیفورد عوامل کالبدی (فیزیکی) را به دو زیر بخش، شاخص‌های طبیعی و مصنوع، تقسیم می‌کنند (scannel, Gifford, 2010) از ویژگی‌ها و خصایص فیزیکی محیط می‌توان به دریاچه‌ها، پارک‌ها، مسیرهای پیاده روی، جنگل‌ها و کوه‌ها (شاخص طبیعی) و خانه‌ها، خیابان‌ها، ساختمان‌های خاص و مکان غیر مسکونی سرپوشیده (شاخص مصنوع) یاد کرد. علاوه بر موارد یاد شده به زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرار گیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون و بسیاری مشخصات دیگر، از جمله مواردی هستند که در مطالعات به آن اشاره گردیده است، می‌توان به‌عنوان عوامل موثر بر دل بستگی مکانی نام برد.

۶- بررسی عوامل تاثیرگذار در حس مکان

اصولاً روانشناسی محیط نه تنها با بعد کالبدی مکان بلکه با بعد اجتماعی نیز سروکار دارد (Bonnes&Sechiaroli, 1995). ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی و احساس رضایت روحی او، با ارتباطات اجتماعی موجود در مکان در رابطه است (Chavis&Pretty, 1999, 635) اشخاصی همانند اسنکل و گیفورد این عامل (عامل اجتماعی) را به دو زیر شاخه عرصه و نماد اجتماعی تقسیم بندی می‌کنند. (scannel, Gifford, 2010) که عرصه اجتماعی شامل مکان ملاقات مردم و پاتوق‌ها، ارتباطات مردم در داخل و مرکز محله و روابط اجتماعی که تعاملات میان همسایگان مانند قرض دادن یا قرض گرفتن ابزار و لوازم نگهداری از بچه‌ها، ملاقات‌های غیر رسمی، درخواست کمک در مواقع اضطراری و ... را در بر می‌گیرد که موجب حمایت احساسی، شخصی، ابزاری و اطلاعاتی است.

نمادهای اجتماعی نیز شامل برگزاری مراسم مختلف و میزان مشارکت مردم در مراسم هاست. در میان عوامل اجتماعی، تأثیر پیوندها و روابط اجتماعی بر دل بستگی به محله مسکونی حائز اهمیت است. در اکثر مطالعات، پیوندهای اجتماعی پیش بینی کننده قوی و مثبتی بوده است. (لویکا، ۲۰۱۰). روابط اجتماعی به تعاملات میان همسایگان ارجاع دارد و مواردی مانند قرض دادن یا قرض گرفتن ابزار و لوازم، نگهداری از بچه‌ها، ملاقات‌های غیر رسمی، درخواست کمک در مواقع اضطراری و ... را در بر می‌گیرد. از طریق این تعاملات، همسایگان یکدیگر را مورد حمایت احساسی، شخصی، ابزاری و اطلاعاتی قرار می‌دهند. (چاویز و واندرزمن، ۱۹۹۰: ۵۸، همچنین نگاه کنید به آبر کرامبی، ۱۳۸۸).



نمودار ۳- دل‌بستگی فیزیکی ماخذ: اقتباس شده از (Gifford, scannel, 2010)



نقشه ۱- موقعیت مطلق شهرستان دیواندره در کشور

از آنچه که به بیان آن پرداختیم، می توان نتیجه بگیریم که دل‌بستگی مکانی به دو شاخص اجتماعی فیزیکی قابل تقسیم بندی است که هر یک زیر شاخص های برای سنجش خود دارند که در واقع توجه اصلی این مقاله، پاسخ دهی به پرسش «آیا تعیین دل‌بستگی مکانی در محل بیشتر جسمی (فیزیکی) یا بر اساس اجتماعی است؟» که اسکنل و گیفور در مقاله ای با عنوان تعریف دل‌بستگی مکانی؛ یک چارچوب سازمان یافته سه جانبه بیان کرده اند، است.

۷- موقعیت منطقه مورد مطالعه

(الف) موقعیت مطلق (ریاضی)

شهرستان دیواندره در ۴۷ درجه و ۱ دقیقه و ۲۰ ثانیه شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۵ درجه و ۵۴ دقیقه و ۱۷ ثانیه شمالی عرض جغرافیایی (از خط استوا) قرار گرفته است. این شهرستان با مساحتی معادل ۴۲۰۳ کیلومتر مربع در حدود ۱۵٪ درصد از وسعت استان کردستان را شامل می شود. از نظر موقعیت مطلق ارتفاعی شهرستان دیواندره در ارتفاع مطلق ۱۸۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است.

(ب) موقعیت نسبی

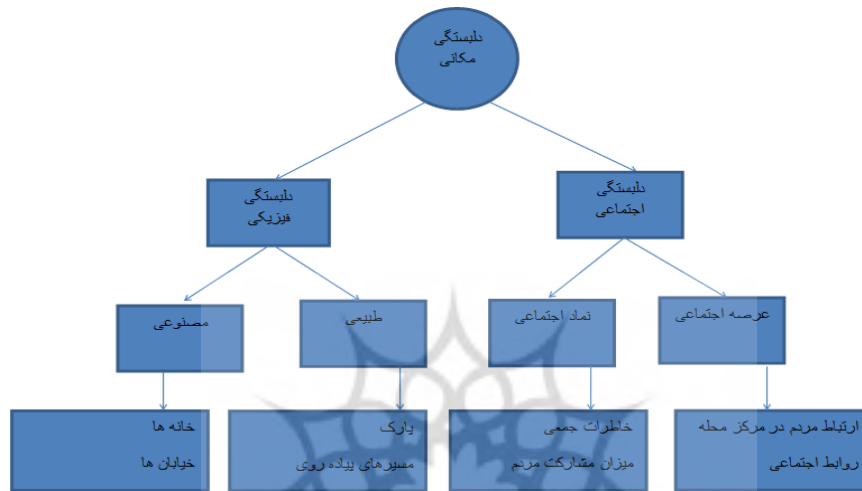
از نظر نسبی شهرستان دیواندره دقیقاً در مرکز هندسی استان کردستان قرار دارد و این مرکزیت هندسی سبب شده است که بعد فاصله جغرافیایی تمام شهرهای استان نسبت به یک مرکز در این نقطه به تعادل کشیده شود. شهر دیواندره به لحاظ موقعیت نسبی جغرافیایی در ۹۵ کیلومتری شمال شهر سنندج قرار گرفته و از شمال باتکاب از شرق با شهرستان بیجار، از شمال غربی با سقز، از غرب با مریوان و در جنوب با سنندج همسایه است.

۸- یافته‌های تحقیق

در چارچوب دیدگاه پدیدار شناسانه رلف اعتقاد دارد که یک مکان موقعی فراتر از یک فضا است که واجد سه خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت و معنا باشد و در این میان، معنا را جز لاینفک این گروه میدانند. (Relph, ۱۹۷۶: ۳۴). رلف با بیان ارتباط ادراک با تجربه مکان، اعتقاد دارد که در حس مکان انسانها مفهومی فراتر از خصوصیات کالبدی و عناصر کالبدی در یک مکان را درک میکند و به نوعی پیوستگی و ارتباط ممتد با روح مکان را (Cuthbert and Alexander, ۱۹۷۶) می نماید. در نتیجه این سه کارکرد مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس آن شاخص های مورد نظر بررسی و تدوین شده است. برای سنجش پایایی ابزار اندازه گیری نیز از آلفای کرونباخ برای هر گویه استفاده شده، سپس میانگین نتایج برای هر هنجار بدست آمده است که به شرح زیر است: اطلاعات به دست آمده به تفکیک برای هر سوال استخراج، طبقه بندی و پس از کدگذاری و ورود اطلاعات به رایانه به وسیله نرم افزار Spss پردازش شد.

جدول ۱- آلفای کرونیخ متغیرهای پژوهش (ماخذ: نگارنده)

رضایتمندی	۰/۸۵۹
تعاملات	۰/۸۴۳
سرزندگی	۰/۷۰۰
تنوع	۰/۹۱۱
بومی گرایی	۰/۸۷۹
مخصوصیت	۰/۸۷۸
تمایز	۰/۸۸۰
آشنایی	۰/۹۰۰
ماندگاری	۰/۷۳۱
امنیت	۰/۹۹۰
خوانایی	۰/۶۶۶
دلبستگی به مکان	۰/۷۱۱
عاطفه	۰/۵۶۹
وابستگی های	۰/۵۶۹
خاطره انگیزی	۰/۷۵۴
هنجارها	
جمع	۰/۸۰۴



نمودار ۴- ابعاد مورد استفاده در سنجش حس تعلق مکانی

بر اساس نتایج پرسش نامه آزمون t انجام شد و نتایج ذیل حاصل گردید:

جدول ۲- نتایج آزمون t پژوهش (ماخذ: نگارنده)

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آزمون t
اقتصادی	۳۵/۴۳	۸/۷۸	t=7/7
اجتماعی	۳۰/۲	۷/۵	s=000/0

نتایج آزمون t نشان می دهد که در مساجد جدید الاحداث شهر دیواندره شاخص مسجد سازی در بعد اقتصادی قوی تر است و گویای این واقعیت است که بیشتر مساجد با دیدگاه صرفه ی اقتصادی و با هدف کمترین هزینه ساخته شده است.

۹- بررسی وضعیت شاخص های معماری اسلامی در مساجد با مدل SWOT

شناسایی و تجزیه و تحلیل هر یک از عوامل داخلی و خارجی مساجد جدید الاحداث منجر به تهیه فهرست نقاط قوت و ضعف (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل داخلی) و فرصتها و تهدیدها (ناشی از تجزیه و تحلیل عوامل خارجی) خواهد شد. نقطه قوت (S): موردی است که محل در صورت داشتن آن از امتیاز مثبت و توانایی قابل ملاحظه ای برخوردار خواهد شد. نقطه ضعف (W): موردی است که محله در صورت داشتن آن از امتیاز منفی و عدم توانایی برخوردار خواهد شد. فرصت (O): پتانسیل نهفته ای است که بهره گیری از آن محله را در جهت مثبت رشد خواهد داد و استفاده از آن مزایای قابل ملاحظه ای برای محل خواهد داشت. به عبارت دیگر منفعت بالقوه ای است که عوامل بالفعل شدنش هنوز بوجود نیامده است. تهدید (T): برعکس فرصت، عاملی است که مانع حرکت، رشد و بالندگی توسعه محله می شود. بعبارت دیگر ضرر بالقوه ای است که عوامل بالفعل شدنش هنوز به وجود نیامده است.

روش تجزیه و تحلیل SWOT، مدل تحلیلی مختصر و مفیدی است که به شکل نظام یافته هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها را شناسایی کرده و استراتژیهای متناسب با موقعیت کنونی حرفه مورد بررسی را منعکس می سازد. در این روش

تلاشهایی برای تجزیه و تحلیل شرایط بیرونی و وضعیت درونی بعمل آمده و بر اساس آن استراتژی مناسب برای بقاء محله طراحی می شود. در این مدل فرصتها و تهدیدها نشان دهنده چالشهای مطلوب و یا نامطلوب عمده ای است که در محیط فراروی محله وجود داشته و در مقابل، قوتها و ضعفها (شایستگی ها، توانایی ها، مهارتها، کمبودها) وضعیت محیط داخلی تشکیلات مورد مطالعه را به نمایش می گذارد.

پس از اینکه عوامل محیطی (فرصتها و تهدیدها) و عوامل درونی (قوتها و ضعفها) شناسایی شده و عوامل کلیدی آنها از غیرکلیدی تمیز داده شد، زمان انتخاب و پیشنهاد استراتژیها فرا می رسد.

مدل SWOT در حالت معمولی متشکل از یک جدول مختصاتی دو بعدی است که هر یک از چهار نواحی آن نشانگر یک دسته استراتژی می باشد، به عبارت دیگر همواره چهار دسته استراتژی در این مدل مطرح می گردد، این استراتژیها عبارتند از:

راهبردهای حداکثر استفاده از فرصتهای محیطی با بکارگیری نقاط قوت (ناحیه ۱)
(استراتژی های SO)

راهبردهای استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از مواجهه با تهدیدها (ناحیه ۲)
(استراتژیهای ST)

راهبردهای استفاده از مزیتها بالقوه ای که در فرصتهای محیطی نهفته است برای جبران نقاط ضعف موجود (ناحیه ۳)
(استراتژیهای WO)

راهبردهایی برای به حداقل رساندن زبانههای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (ناحیه ۴)
(استراتژیهای WT)

جدول تجزیه و تحلیل SWOT برای مساجد جدید الاحداث

عوامل داخلی عوامل محیطی فهرست قوتها (S) فهرست ضعفها (W)

فهرست فرصتها (O) ناحیه ۱

استفاده از فرصتها با استفاده از نقاط قوت (SO) ناحیه ۲

از مزیتها که در فرصت نهفته است استفاده نمایم برای جبران نقاط ضعف (WO)

فهرست تهدیدها (T) ناحیه ۳

استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها

(ST) ناحیه ۴

به حداقل رساندن زبانههای ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف

(WT)

در این تحلیل پرسشهای زیر مطرح می شود:

۱- چه فرصتهای محیطی عمده ای برای ما وجود دارد؟

۲- با چه تهدیدهای عمده خارجی مواجه هستیم؟

۳- نقاط قوت عمده داخلی ما چه مواردی است؟

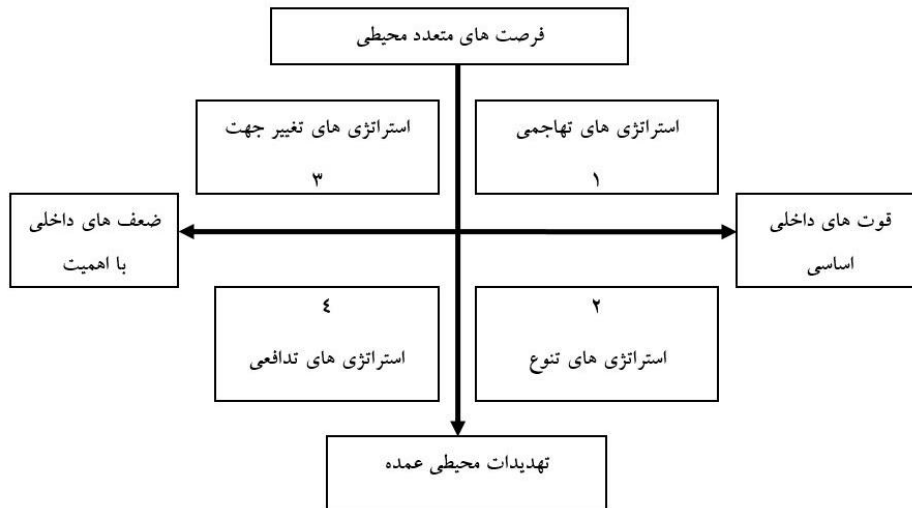
۴- ضعفهای عمده داخلی ما چه هستند؟

در مدل SWOT پس از لیست کردن هر یک از عوامل قوت و ضعف و فرصتها و تهدیدها و نوشتن آنها در سلولهای مربوط به خود، از محل تلاقی هر یک از آنها استراتژیهای مورد نظر حاصل می شود، بنابراین همواره این ماتریس منجر به چهار دسته استراتژی، WT، WO، SO، ST می شود.

مواجهه دادن عوامل اصلی داخلی و خارجی و تدوین استراتژیهای WT، SO، WO، ST از مشکلترین بخشهای تهیه ماتریس SWOT می باشد و به قضاوت و قدرت تجزیه و تحلیل خوبی نیاز دارد. در اجرای استراتژیهای SO مساجد جدید الاحداث با استفاده از نقاط قوت داخلی می کوشد از فرصتهای خارجی حداکثر بهره برداری را نماید.

هدف از استراتژیهای WO این است که مساجد جدید الاحداث از مزیتها که در فرصتها نهفته است استفاده نماید در جهت جبران نقاط ضعف، گاهی در خارج از محل فرصتهای بسیار مناسبی وجود دارد، ولی محل به سبب داشتن ضعف داخلی نمی تواند از این فرصتها بهره برداری نماید. هر محل در اجرای استراتژیهای ST می کوشد تا با استفاده از نقاط قوت داخلی خود برای جلوگیری از تاثیر منفی تهدیدات خارجی بر سازمان سازوکارهایی را در پیش بگیرد و یا تهدیدات را از بین ببرد. هدف سازمان در اجرای استراتژیهای WT کم کردن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. سازمانی که بیشترین عواملش در این خانه متمرکز باشد وضعیت مناسبی نداشته و در موضع مخاطره آمیزی قرار خواهد گرفت. در چنین حالتی سازمان استراتژیهای مختلفی از قبیل واگذاری، کاهش عملیات و ... را برمی گزیند و در هر صورت سازمانها سعی می کنند از چنین وضعیتی پرهیز نمایند.

نمودار ۵- تجزیه و تحلیل SWOT برای مساجد جدید الاحداث شهر دیواندره (ماخذ: نگارنده)



جدول ۳- ماتریس اولویت بندی عوامل داخلی (ماخذ: نگارنده)

اثر بر عملکرد یا قابلیت رقابتی				
کم	متوسط	زیاد		
اولویت متوسط	اولویت بالا	اولویت بالا	میزان اهمیت	
اولویت پایین	اولویت متوسط	اولویت بالا	زیاد	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	متوسط	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	کم	

جدول ۴- ماتریس اولویت بندی عوامل خارجی (ماخذ: نگارنده)

اثر احتمالی				
کم	متوسط	زیاد		
اولویت متوسط	اولویت بالا	اولویت بالا	احتمال وقوع	
اولویت پایین	اولویت متوسط	اولویت بالا	زیاد	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	متوسط	
اولویت پایین	اولویت پایین	اولویت متوسط	کم	

جدول ۵- ماتریس SWOT (ماخذ: نگارنده)

نقاط ضعف W	نقاط قوت S	SWOT
فهرست نقاط قوت	فهرست نقاط قوت	
استراتژی های WO	استراتژی های SO	فرصتها O
با فرصتها نقاط ضعف را از بین ببرید	با نقاط قوت از فرصتها استفاده کنید	فهرست فرصتها
استراتژی های WT	استراتژی های ST	تهدیدات T
نقاط ضعف را کاهش دهید و از تهدیدات بپرهیزید.	برای احتراز از تهدیدات از قوتها استفاده کنید.	فهرست تهدیدات

جدول ۶- نقاط قوت (Strenghts) و نقاط ضعف (Weaknesses) (ماخذ: نگارنده)

شماره	ضعف ها	شماره	قوت ها
۱	کیفیت پایین طراحی	۱	تازه ساخت بودن
۲	کم اثر بودن عناصر معنویت بخش	۲	استحکام
۳	نداشتن نظم هندسی	۳	زیبایی
۴	نداشتن جذابیت معنوی	۴	نزدیکی به محلات شهر
۵	آلودگی صوتی	۵	شیب مناسب
۶	آلودگی بصری	۶	وسعت مناسب
۷	مکانیابی نا مناسب	۷	توپوگرافی مناسب
		۸	راه دسترسی مناسب
		۹	داشتن شعاع جمعیت مناسب

۹-۱- عوامل خارجی مؤثر بر کیفیت مساجد نوین (جدید الاحداث)

مساجد مهمترین بناهای مذهبی شهرهای اسلامی هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته‌اند. اجتماع در مسجد، سبب محبت و الفت دلها و تحکیم پیوندها و روابط و آگاه شدن از حال یکدیگر و تبادل افکار در مسایل دینی و دنیایی و همدردی در غم و شادی یکدیگر است لذا حضور بیشتر مردم در مسجد موجب افزایش تعاملات اجتماعی است. بطور کلی یکی از عواملی که موجب اشتیاق مضاعف انسان به حضور در اماکن عمومی می شود زیبایی آن و راحتی و آسودگی وی در آنجاست. مسجد نیز از این نظر مستثنی نیست. هدف این مرحله کند و کاو آثار محیط خارجی بر کیفیت مساجد جهت شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهایی است که این مسجد با آن مواجه است. در این راستا باید گفت که فرصت‌ها، مجموعه امکانات و قابلیت‌هایی است که خارج از مساجد بر کیفیت هر مسجد مؤثر واقع می‌شوند و همچنین تهدیدها نیز مجموعه عوامل خارج از مساجد محسوب می‌شوند که در عدم کیفیت مساجد تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم دارند. بر اساس مطالعات انجام شده مجموعه فرصت‌ها و تهدیدهای موجود و مؤثر بر اقتصاد که به صورت زیر قابل ترسیم می باشند:

جدول ۷- فرصت‌ها (Opportunities) و تهدیدها (Threats) (ماخذ: نگارنده)

شماره	فرصت‌ها	شماره	تهدیدها
۱	تکمیل شدن ظرفیت مساجد	۱	دوری مردم از مساجد
۲	تنوع بخشی به کارکرد های مسجد	۲	وجود های نامتناسب در کنار مساجد
۳	توجه به پژوهش های دینی در طراحی مساجد	۳	نداشتن آینده نگری در مساجد
۴	جذب جوانان	۴	دوری مسجد از کارکرد و رسالت اصلی خود
۵	نقش محله محوری مساجد	۵	پایین آمدن حس تعلق مکانی
۶		۶	پایین آمدن حس معنویت در معماری مساجد

جدول ۸- جدول تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک (SFAS)

عوامل	وزن	درجه بندی	امتیاز وزنی	برنامه ریزی		
				کوتاه مدت	میان مدت	بلند مدت
S1 = اهمیت مسجد در زندگی مردم	۰/۱۸	۴	۰/۷۲	*	*	*
S2 = وجود جوانان علاقمند	۰/۱۷	۴	۰/۶۸	*	*	*
S3 = انجام تحقیق در مورد اهمیت مساجد	۰/۰۹	۳	۰/۲۷	*	*	*
S4 = نزدیکی به محلات شهر	۰/۰۹	۳	۰/۲۷	*	*	*
S5 = شیب مناسب ساخت مساجد	۰/۰۹	۳	۰/۲۷	*	*	*
S6 = وسعت اراضی مناسب مساجد	۰/۰۹	۳	۰/۲۷	*	*	*
W1 = کیفیت پایین مصالح در ساخت مساجد	۰/۰۹	۴	۰/۳۶	*	*	*
W2 = وجود کاربری های نامطلوب با مسجد	۰/۰۸	۴	۰/۳۲	*	*	*
W3 = نداشتن طرح معماری مناسب	۰/۰۸	۴	۰/۳۲	*	*	*
W4 = نداشتن خلاقیت در طراحی	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	*	*	*
W5 = عدم شناسایی و اهمیت به ظرفیت های موجود	۰/۰۷	۴	۰/۲۸	*	*	*
O1 = اقتصادی نگریستن به ساخت مسجد	۰/۱۶	۴	۰/۶۴	*	*	*
O2 = انگیزه ی معنوی جوانان	۰/۱۲	۴	۰/۴۸	*	*	*
O3 = توجه به پژوهش های مسجد محور	۰/۱۱	۴	۰/۴۴	*	*	*
O4 = نقش اجتماع محوری مساجد	۰/۱۱	۴	۰/۴۴	*	*	*
T1 = عدم توجه به اهمیت استحکام و زیبایی	۰/۱۴	۴	۰/۵۶	*	*	*
T2 = وجود کاربری های نامطلوب	۰/۱۳	۴	۰/۵۲	*	*	*
T3 = آلودگی صوتی	۰/۱۲	۳	۰/۳۶	*	*	*
T4 = آلودگی بصری	۰/۱۱	۳	۰/۳۳	*	*	*

۱۰- مطالعات میدانی مساجد شهر دیواندره

برای بررسی شاخص های معماری مساجد تعداد ۱۰ مسجد نوین شهر دیواندره مورد بررسی قرار گرفته است که عبارتند از: مسجد امام شافعی (شهرک روحانی)، مسجد جامع، مسجد خاتم الانبیا (محله چهار باغ)، مسجد صلاح الدین ایوبی (شهرک گلشن)، مسجد خلفای راشدین (فاز ۱)، مسجد بلال حبشی، فاز ۲، مسجد حضرت عمر فاز ۳، مسجد حضرت ابوبکر صدیق (شهرک اندیشه) مسجد امام و مسجد حضرت رسول.

جدول ۹- بررسی نمونه مساجد نوین شهر دیواندره - تنظیم: نگارنده، ۱۴۰۰

مساجد	نمونه موردی	مساجد	نمونه موردی
مسجد امام شافعی		مسجد صلاح الدین ایوبی (گلشن)	
مسجد جامع		مسجد بلال حبشی	
مسجد خاتم الانبیا، محله چهار باغ		مسجد ابوبکر صدیق شهرک اندیشه	

جدول ۱۰- مقایسه مساجد از نظر معیارهای معماری اسلامی (ماخذ: محاسبات نگارنده ۱۴۰۰)

ردیف	نام مسجد	درصد بکارگیری شاخص های حس مکانی معماری اسلامی	اولویت	توضیحات
۱	مسجد امام شافعی	۵۵	۱	
۲	مسجد حضرت ابوبکر صدیق (شهرک اندیشه)	۵۱	۲	
۳	مسجد جامع	۴۴	۳	
۴	مسجد صلاح الدین ایوبی (شهرک گلشن)	۴۲	۴	
۵	مسجد امام	۴۰	۵	
۶	مسجد بلال حبشی، فاز ۲	۳۸	۶	
۷	مسجد حضرت رسول	۳۵	۷	
۸	مسجد خلفای راشدین (فاز ۱)	۳۳	۸	
۹	مسجد حضرت عمر فاز ۳	۳۰	۹	
۱۰	مسجد خاتم الانبیا (محله چهار باغ)	۲۸	۱۰	

۱۱- نتیجه گیری

با بررسی مساجد ده گانه متوجه می شویم که میزان رعایت شاخص های حس مکان و معنویت مساجد در وضعیت مناسبی نیست و تنها ۲ مسجد نمرات بالای ۵۰ را از ۱۰۰ دریافت نموده اند در جدول فوق مقایسه مساجد ده گانه آورده شده است که مسجد امام شافعی در رتبه ی اول قرار گرفته و به نسبت مقداری از شاخص های اعتدالی حس معنویت مکان در آن رعایت شده است. نتایج نشان می دهد شاخص های خلوت و آرامش، نورگرایی، وسعت، فضا سازی محیطی، مکانیابی مناسب، الگوی مجاورت، همسویی با کاربری های مجاور، ارتباط با مردم، رنگ گرایی و نماد گرایی از مهمترین مولفه های ارتقای حس معنویت مسجد می باشند که در معماری مساجد باید به آن توجه شود. نتایج تحلیل SWOT نیز حاکی از آن است که دید اقتصادی دیدگاه

حاکم بر ساخت مساجد بوده و این یک تهدید برای حس مکان مساجد می باشد. با تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدید ها می توان نقاط قوت را در طراحی آثار آتی تقویت نمود و با تأکید بر اصول فوق می توان حس معنویت مکان مسجد را ارتقا بخشید.

منابع

۱. احمدی فرزانه و همکاران (۱۳۹۵) عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی بافت مسکونی اطراف حرم حضرت امام رضا (ع) مجله علمی پژوهشی هفت شهر، شماره ۴۷
۲. بزلی، خدارحم (۱۳۹۳) و همکاران، بررسی مقایسه یا حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم آباد مجله معماری شهر پایدار
۳. حیدری علی کبر و همکاران (۱۳۹۳)، تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمعهای مسکونی امروزی نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی دوره ۱۹ شماره ۳
۴. حقیقت بین (۱۳۹۳) بررسی تاریخی خیابان چهارباغ مشهد در عصر صفویه، پژوهشهای تاریخی، ص ۴۱-۴۳
۵. اهری، زهرا، (۱۳۹۳) خیابان چهارباغ مفهومی نو از فضای شهری، گلستان هنر، شماره ۱
۶. جافرم و دیگران (۱۳۹۲) خیابان چهارباغ محور پایدار شهری اصفهان صفوی، همایش معماری پایدار و توسعه شهری، ص ۴-۱۶
۷. حقی، محمدرضا (۱۳۹۲) شناسایی عوامل تبیین کننده کیفیت فضاهای شهری، نمونه مطالعاتی خیابان چهارباغ عباسی، همایش معماری پایدار و توسعه شهری، ص ۳-۹
۸. دانشپور، سیدعبدالهادی و دیگران (۱۳۸۸) جایگاه دانش روانشناسی محیطی در ساختمانهای بلند مرتبه با رویکرد معماری پایدار، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پائیز و زمستان، صص ۲۹-۳۸
۹. دانشگر مقدم، گلرخ و دیگران (۱۳۹۰) تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از درک طبیعت در محیط انسان ساخت، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، بهار، صص ۳۸-۲۷.
۱۰. سجاذاده، حسن (۱۳۹۲) «نقش دل بستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری» باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، تابستان: ۷۹ ۸۸
۱۱. سجاذاده و پیربابایی، حسن و محمد تقی (۱۳۹۰) «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی» باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، بهار ۱۷۲۸
۱۲. دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دل بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن» نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، تابستان: ۳۷ ۴۸
۱۳. رحیم رهنما و رضوی، محمد و محمد محسن، (۱۳۹۱) «بررسی تاثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۷، تابستان ۳۶ ۲۹
۱۴. سجاذاده، حسن (۱۳۹۲) «نقش دل بستگی به مکان در هویت بخشی به میدان های شهری» باغ نظر، شماره ۲۵، سال دهم، تابستان: ۷۹ ۸۸
۱۵. سجاذاده و پیربابایی، حسن و محمد تقی (۱۳۹۰) «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی» باغ نظر، شماره ۱۶، سال هشتم، بهار ۱۷۲۸
۱۶. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن» نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۶۶۵۷
۱۷. دالور، علی (۱۳۸۰) مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، تهران: انتشارات رشد
۱۸. سرمست، بهرام (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان
۱۹. رحیم رهنما و رضوی، محمد و محمد محسن، (۱۳۹۱) «بررسی تاثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۷، تابستان ۳۶ ۲۹
۲۰. علی نیا، فاطمه و جباریان، فاطمه (۱۳۹۴) بررسی حس تعلق به مکان در خیابان چهارباغ اصفهان با رویکرد پدیدارشناسی
۲۱. مومنی، سیما (۱۳۹۲) پدیدار شناسی مکان و احیای مکان فردا، همایش سالانه ساختمان آینده، ص ۲.
۲۲. حجت، عیسی (۱۳۹۱) زیبایی شناسی تطبیقی حس مکان و حس تعلق در فضای شهری، نشریه پژوهش هنر ص ۱۱
۲۳. فلاحت، محمد صادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن» نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۶، تابستان ۶۶۵۷

۲۴. کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۸۹) «بررسی مفهومی و کارکردی دلبستگی مکانی» منظر، شماره ۱۲، دی و بهمن ۱۶۲۱
۲۵. لالی و مدیری، پریسا و اتوسا (۱۳۹۱) «تبیین نقش مولفه معنا در فرایند شکل گیری حس مکان» نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، تابستان: ۴۳ ۵۱
۲۶. وارثی، حمیدرضا (۱۳۸۹) «بررسی و تحلیل مولفه های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید» مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره دوم، سال اول، پاییز ۱۷ ۳۶.
27. Billing, M. (2006) Is my home my castle? Place attachment, risk perception, and religious faith. *Environment and Behavior*, 38, 248-265.
28. Bonaiuto, M., Fornara, F. and Bonnes, M. (2002), Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. *Landscape and Urban Planning*, 98, 1-12.
29. Bonnes, M., Secchiari, G. (1995), *Environmental Psychology: A Psychosocial Introduction*, London, Sage.
30. Chavis, D.M. AND Pretty, G. (1999), Sense of community; Advances in measurement and application, *Journal of Community Psychology*, 27: 6, pp. 635-642.
31. Eisenhauer, B.W., Krannich, R.S. and Blahna, D.J. (2000), Attachment to special places on public lands: An analysis of activities, reason for attachment, and community connection, *Society and Natural Resources*, 13, pp. 421-441.
32. Fried, M. and Giecher, P. (1961), Some sources of satisfaction in an urban slum, *Journal of Environmental Planners*, 27, 305-315.
33. Giuliani, M., Ferran, F., & Barabotti, S. (2003). one attachment or more? *Ashland, OH: Hogrefe & Huber*.
34. Handel, P., Barling, P. and Morrissy, E. (1981), Development of perceived and preferred measures of physical and social characteristics of the residential environment their relationship and satisfaction, *Journal of Community Psychology*, 9, pp. 118-124.
35. Hidalgo, M.C. & Hernandez, B. (2001), Place attachment: Conceptual and empirical question, *Journal of environmental Psychology*, 21, pp. 273-281.
36. Hummon, D. (1992), Community attachment: local sentiment and sense of place, In I. Altman and S. Low (Eds), *place Attachment*, New York, Plenum.
37. Kyle, G., et al. (2004). Effects of place attachment on users' perceptions of social and environment conditions in a natural setting. *Journal of environment psychology*, (24); 213-225

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی